

در هر اتاقی، محلی‌های امن را مشخص کنید (مثلا زیر یک میز محکم یا کنار ستونها یا دیوارهای مجاور آنها).



چگونه سر نوید و پیمان بی کلاه ماند...

شهر وند | به سیاق هم‌مسال، امسال هم داوری‌های جشنواره فجر از انتقاد بی‌نصیب نمانده‌اند؛ به‌خصوص در زمینه بازیگری و به‌ویژه در نادره گرفته شدن بازیگرانی چون نوید محمدزاده و پیمان معادی که تقریباً همه در شایستگی آنها برای دریافت سیمرغ اتفاق نظر داشتند. جالب این که هواداران محمدزاده و معادی در واکنش‌های مجازی‌شان به گفته‌های مسعود فراسنی استاد می‌کنند: «حتی مسعود فراسنی هم اقرار کرد باید به نوید محمدزاده سیمرغ بدهند، اما این اتفاق نیفتاد!» فراسنی گفته بود: «امسال سیمرغ حق نوید محمدزاده است که در دو فیلم «سرخپوست» و «متری شیش و نیم» نامزد شده، اما به او جایزه نمی‌دهند و به بازیگران فیلم آبیار جایزه می‌دهند و ای به جشنواره و ای به هیأت داوران...»

یادداشت

بفرمایید بازار سیاه اختتامیه



نیبره خادمی | مردم برای دیدن بازیگران و سلبریتی‌ها در جشنواره فیلم فجر سر و دست می‌شکنند و همین موضوع هر سال بازار سیاهی را می‌اندازد. برای مراسم اختتامیه جشنواره، امسال هم این‌طور بود. دوشنبه ۲۲ بهمن ماه هر چه به غروب نزدیک‌تر می‌شد، جمعیت هم بیشتر در پشت درهای سالن اصلی برج میلاد دیده می‌شدند؛ آنهایی که بلیت داشتند و آنهایی که سر در گوشی‌های تلفن همراه خود در جست‌وجوی بلیت بودند، سیایت‌ها را چرخ می‌زدند و قیمت‌های نجومی را بالا و پایین می‌کردند تا بلکه با یک قیمت مناسب‌تر بتوانند به سالن آمال و آرزوهایشان وارد شوند. حالا هم تصاویر بلیت‌های بازار سیاهی که در سایت دیوار آگهی شده بود، در شبکه‌های مجازی و استورهای اینستاگرام، دست به دست می‌چرخد. یک نفر آدرس خود را چیتگر داده و دیگری سیدخندان. بلیت اختتامیه؛ دو عدد بلیت وی‌ای بی، ۵۰ هزار تومان، ۹۵ هزار تومان یا مثلا ۳۰ هزار تومان... واقعا هم معلوم نیست این بلیت‌ها چطور و به چه کسانی تعلق گرفته که حالا به حراج گذاشته شده است، آن‌هم در شرایطی که هر سال تعداد زیادی از هنرمندان پیشکسوت، به این‌گونه مراسم دعوت نمی‌شوند. بازار سیاه از سال‌های گذشته در برنامه‌های این چنینی سابقه داشته است و انگار به مسأله‌ای طبیعی تبدیل شده است. در جریان جشنواره فجر امسال هم خیلی زود بلیت سینماهای مردمی با قیمت‌های نجومی و چندبرابری در سایت دیوار به فروش گذاشته شدند؛ مثلا دوسری بلیت فیلم فجر در سینما آزادی به قیمت ۴۵ هزار تومان برای فروش گذاشته شد و یک‌سری بلیت در جای دیگر یک‌میلیون تومان. هر سال هم مسئولان در این باره هشدار می‌دهند و اغلب مردم را از تقلبی بودن بلیت‌ها می‌ترسانند اما نه مشتری‌ها دست برمی‌دارند و نه فروشنده‌ها.

شهر وند «ترین» های جشنواره سی و هفتم فیلم فجر را معرفی می‌کند

شب‌ی که همایون له شد!

این فستیوال در نظر گرفتید، اما هنوز جرأت پیدا نکردید تا نام‌های بزرگ را کنار نام‌های کوچک ماقصودت نکرده‌و از این ستون‌های بی‌رقیب تنها تحت‌عنوان یک عمر فعالیت هنری تقدیر کنید.»

همدردی استادانه جشنواره

سیمرغ استاد نصیریان یک اتفاق جذاب دیگر را نیز باعث شد؛ که چیزی نبود مگر بوسه جمشید مشایخی بر پیشانی علی نصیریان؛ که هر دو از بزرگان تاریخ سینما و تئاتر این سرزمین هستند. در شب پایانی جشنواره؛ اندک زمانی بعد از آن که علی نصیریان برای نخستین بار در کارنامه‌اش سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد، جمشید مشایخی در استقبال از او در پایین صحنه بر پیشانی این بازیگر پیشکسوت بوسه زد. جمشید مشایخی با درخواست میکروفون در سخنانی گفت: «اولین تئاترم را با علی خان نصیریان کار کردم. من عاشقش هستم. ایشان قسمتی از وجودش را از دست داده است. نمی‌خواستم تسلیت بگویم اما امشب مجبورم او همسر عزیزش را از دست داده است.» این شاید استادانه‌ترین همدردی باشد که در روزهای اخیر علی نصیریان شاهدش بوده. همدردی یک استاد با درد بزرگ استادی دیگر...

خاطرهبازی خطرناک جشنواره

وقتی قرار شد گوهر خیراندیش برای تقدیر از شخصیت‌های واقعی و بازیگران نوجوان فیلم بیست‌وسه نفر روی صحنه حاضر شود، کسی فکرش را هم نمی‌کرد که تا چند دقیقه دیگر یکی از جنجالی‌ترین رخدادها سینمای بعد از انقلاب یکبار دیگر روی صحنه روایت خواهد شد. گوهر خیراندیش که مدتی است مصدوم شده، با کمک چوب‌های زیر بغل حرکت کرد و پشت تریبون قرار گرفت و در ادامه هم ماجرای ۲۵ سال پیش بسویدن یک بازیگر جوان را روی صحنه که به محاکمه و محکومیت او ختم شد، روایت کرد. روایتی که واکنش‌های بسیار و گاه بازمه‌ای را به وجود آورد.

کوفت‌بشه جشنواره

خیلی‌ها فکر می‌کردند مهناز افشار که امسال فیلم‌های ناگهان درخت، قسم و آشفته‌گی را در جشنواره داشت، یکی از برندگان سیمرغ جشنواره خواهد بود، اما در شب پایانی سیمرغ بازیگری نقش اول زن به الناز شاکردوست رسید تا خیلی‌ها از مهناز افشار به‌عنوان یکی از ناکامان امسال نام ببرند. موضوعی که به نظر می‌رسد ناراحتی مهناز افشار را موجب شده و به‌رغم این که ممکن است او در رسانه‌ها ادعا کند که سیمرغ گرفتن اهمیت چندانی برایش نداشته، اما واکنش تویتری او به سیمرغ نگرفتنش چیزی غیر از این را می‌گوید... مهناز افشار در تویتر خود را «تافته خوبی برای جشنواره امسال» ندانست و نوشت: «بعضی وقت‌ها دیده نشدن و جایزه نگرفتن به نفع بعضی آدم‌ها می‌شه، نه این که دلم سیمرغ نمی‌خواست که اتفاقی می‌خواست. من تافته خوبی برای جشنواره امسال نبودم. همین‌که هست» و ازهای است جدی در این ۴۰ سال مبارک همه برندگان و الناز عزیز مبارک باشه». کاربران فضای مجازی این تبریک



آخر مهناز افشار را بازمه‌تر از کل نوشته‌های تویتری او دانسته‌اند، یعنی «چیزی در مایه‌های کوفت‌بشه!»

مسخره‌بازی جشنواره

وقتی همایون غنی‌زاده، کارگردان فیلم مسخره‌باز نامش به‌عنوان برنده سیمرغ فیلم اول خوانده شد، روی صحنه نرفت و به‌جای خودش یک افغانستانی را به روی صحنه فرستاد و سیمرغ این فیلم را نگرفت؛ به گفته برخی از منتقدان مسخره‌بازی روز کلید خورد... کارگردان مسخره‌باز البته در توجیه اقدامش دلیلی ذکر نکرد و معلوم نشد اعتراضش به چه چیزی بوده، اما به‌هر روی اقدامش که جای نقد فراوانی داشت، حاشیه‌های زیادی به وجود آورد، به‌خصوص در فضای مجازی که واکنش‌های تند را در مورد این کار شاهد بودیم. از جمله نظر کاربری که فرستادن یک افغانستانی روی صحنه را بیشتر از این که «یادآور کار مارلون براندو در فرستادن یک سرخپوست روی صحنه استار» بداند، یادآور واکنش‌های سطحی و تهاجمی مسعود دهنمکی خوانده بود...

طلبکاری جشنواره

نرگس آبیار که تقریباً تمام جوایز مهم جشنواره را گرفت، در یکی از چند بار حضورش روی صحنه گفت که «کم‌کم داشته از جایزه گرفتن در کشورش» ناامید می‌شده‌باور کنید که این حرف را نرگس آبیار زده، نه استاد پیشکسوتی چون علی نصیریان که امسال بالاخره بعد از ۴۰ سال نخستین سیمرغش را گرفته یا مثلا مسعود کیمیایی که بعد از سی و چند فیلم بالاخره چند سال پیش یک سیمرغ بحث‌انگیز بهش دادند و خلاص. این را کارگردانی گفته که چهارمین فیلمش جوایز را درو کرده، سومین فیلمش به‌عنوان نماینده ایران در اسکار معرفی شده، دومین فیلمش را هم ابراهیم حاتمی‌کیا به زور در چشم داوران جشنواره فرو کرده و سیمرغ‌های بی‌شماری برایش به ارمغان آورده... به نظر می‌رسد همه به نحوی طلبکاریم، از کی و از چی؟ خودمان هم نمی‌دانیم!

له کردن جشنواره

رفار همایون غنی‌زاده علاوه بر رسانه‌های داوران را هم در آورد. بعد از صحبت‌های تند مارلین میری؛ دیگر داور امسال، مهرداد دانش هم به رفتار عجیب همایون غنی‌زاده واکنش نشان داد و آن را لوس‌بازی زنده جوانکی تازه کار دانست «که بارفتارهای تهوع‌آور مظاهر تلاش در ادا آوردن کژفهمانه کارگردانی را آغاز می‌کنم.»



حامد بهداد سیمرغ نگرفت. اما با تعریفی که شهیدی فر از اینک و تیکش کرد، بیش از تمام سیمرغ‌های دیروز در قاب تلویزیون دیده شد. به‌رحال حجابش هم مشکلی نداشت و می‌شد نشان داد.



داور عصیانی و کارگردان قهر و در کنار هم، غنی‌زاده بعد از قهر چند دقیقه پیشش روی صحنه آمده و جایزه می‌گیرد. اما اخیر ندر که تا ساعتی دیگر جناب داور او را له کرده و از رویش خواهد گذشت.



دوشنبه شب، الناز کشنگ بیض کرد و به اندازه همه عمرش هم خندید. چی بهتر از این؟ چهار سال پیش اگر می‌پرسیدی خودش هم باور نمی‌کرد سیمرغی شود.